

مَشَر

اهمیت تیم‌های پزشکی در آماده‌سازی تیم‌ها

۱۴



آنهایی که در آفریقا ندرخشیدند

۱۵



چرا نمایندگان امریکای جنوبی ناکام شدند

۱۵



حکایت بزرگ‌ترین سیرک فوتبالی دنیا

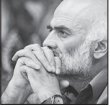
۱۶



سال پنجم ■ شماره ۱۰۱۱ ■ چهارشنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۸

◀ **پاورهای**

رسول خربکندی



مرثیه‌ای برای ایتالیا

فوتبال ایتالیا همیشه بر پایه اصل کم‌ترین صرف انرژی برای رسیدن به بالاترین موفقیت استوار بوده است. در طول این جام جهانی هم ایتالیا می‌خواست با همین روش به موفقیتی بزرگ برسد، اما غافل از اینکه تیم‌هایی هستند که نگذارند لاجوردی‌پوشان به خواسته خود برسند. مردان لیبیی در مرحله مقدماتی و گروهی جام جهانی با خوش‌شانسی در ضعیف‌ترین گروه‌ها قرار داشتند. آنها در مرحله مقدماتی خیلی راحت به جام جهانی صعود کردند اما در مرحله گروهی جام جهانی نتوانستند با موفقیت این مرحله را پشت سر بگذارند. لیبیی در جام کنفدراسیون‌هایی که در سال ۲۰۰۹ در آفریقای جنوبی برگزار شد، ضعف‌های تیم خود را به خوبی می‌شناخت و سعی کرد با دعوت از بازیکنان قهرمان جام جهانی ۲۰۰۶ ضعف‌های خود را پوشش دهد اما همین بازیکنان عاملی برای ناکامی تیم ایتالیا در جام جهانی شدند. لیبیی با کنار گذاشتن بازیکنان موردعلاقه دونادونی مثل کاسانو به نوعی با این بازیکنان لجبازی کرد و تیمش را بدون بازیکنان کارآمد به میدان فرستاد. اعتماد بیش از اندازه به بازیکنان جام جهانی قبل یکی از مشکلات عمده لیبیی بود.

تیم ملی ایتالیا در طول جام جهانی از نداشتن بازیکن خلاق رنج می‌برد، آسیب‌پذیگی پیرلو را می‌توان به عنوان یکی از دلایل اصلی ناکامی ایتالیا نام برد. حضور ۳۰ دقیقه‌ای این بازیکن در بازی با اسلواکی نشان داد نبود یک هافبک با خصوصیت پیرلو می‌تواند یک تیم را دچار افت کند.

بازیکنان ایتالیا برعکس بازیکنان تیم فرانسه، انگیزه زیادی برای پیروز شدن داشتند اما توان کافی برای مقابله با تاکتیک مربیان حریف را نداشتند. شاید اگر ایتالیا از گروه خود صعود می‌کرد، در مراحل بعد بهتر نتیجه می‌گرفت اما بازیکنان پا به سن گذاشته این تیم با اشتباهات فاحش خود نگذاشتند این تیم را در مراحل بعد ببینیم. خیلی از هواداران فوتبال و کارشناسان از لیبیی برای به همراه نیابردن توتی و دل پیرو انتقاد کردند و بودن آنها را راهگشای معضلات این تیم می‌دانستند. اما به نظرم این بازیکنان هم نمی‌توانستند بازی از دوش تیم کپ‌توان ایتالیا بردارند. ایتالیا احتیاج به یک انقلاب در فوتبال ملی داشت؛ انقلابی که شاید اگر بعد از جام جهانی ۲۰۰۶ انجام می‌شد این تیم را در آفریقای جنوبی موفق‌تر می‌دیدیم اما این اتفاق رخ نداد تا لاجوردی‌پوشان ایتالیا بعد از تیم نیوزیلند در مکان چهارم گروه خود قرار گیرند و با جام جهانی خداحافظی غم‌انگیزی داشته باشند.

ایتالیا در هیچ یک از پست‌های خود بازیکن قابل اتکایی نداشت. دروسی تنها بازیکن قابل اعتماد این تیم بود که او هم در سه بازی جام جهانی از پنج گلی که ایتالیا دریافت کرد در سه گلش مقصر بود. به طور قطع در جام ملت‌های اروپا در سال ۲۰۱۲ تیمی متفاوت از آنچه پیش از آن از ایتالیا دیدیم، خواهیم دید. تیم‌های بزرگ دنیا وقتی در یک دوره از جام جهانی ناکام هستند، در دوره بعد ناکامی خود را جبران می‌کنند. یا آمدن بیرندلی می‌توان این تیم را تیمی متفاوت و دوباره مدعی محسوب کرد.

◀ **پاورهای**

جلال طالبانی

حکایت دو شماره ۱۰ آرژانتین

آرژانتین در این جام جهانی با دو شماره ۱۰ وارد آفریقای جنوبی شد: مسی بهترین بازیکن جهان و کاپیتان دوم تیم و دیگری دیه‌گو مارادونا اسطوره فوتبال این کشور که مردم این کشور او را می‌پرستند. شماره «۱۰»ی که روی نیمکت نشسته بود. آرژانتین در انتخاب سیستم ۳-۲-۳ وارد مسابقات شد. آنها هر چقدر در مرحله مقدماتی در منطقه امریکای جنوبی برای صعود سختی کشیدند در مرحله گروهی جام بدون هیچ مشکلی سه حریف خود را شکست دادند اما همان زمان هم کارشناسان فوتبال معتقد بودند این سیستم و تاکتیک که در مرحله مقدماتی و گروهی مورد استفاده قرار گرفته، در بازی‌های بزرگ جواب نخواهد داد.

استفاده از مسی در پشت سر دو مهاجم دیگر از سوی برخی کارشناسان مورد تایید و از سوی کارشناسان دیگری مورد انتقاد قرار گرفت. به نظرم دور کردن مسی از محوطه جریمه اشتباه بزرگی بود که مارادونا انجام داد، هر چند مسی هم با روزهای اوج خود فاصله داشت. اما اگر به دروازه حریف نزدیک‌تر بود، می‌توانست نتیجه بهتری کسب کند. به طور کل شماره ۱۰ آرژانتین که داخل زمین بود، هرچه به توان داشت برای تیم ملی گذاشت، اما به جایی نرسید و به نظرم نمره قبولی گرفت. اما شماره «۱۰»ی که روی نیمکت آرژانتین حضور داشت، به هیچ عنوان نتوانست انتظارات را برآورده کند. تیمی که به آفریقای جنوبی رفته بود یکی از بهترین تیم‌های ملی آرژانتین در طول تاریخش بود، اما مارادونا با چیدمان ضعیف و تاکتیک‌های غلط تیمش را زمینگیر کرد.

دعوت نکردن از زانتی و کامبیوسا بزرگ‌ترین ضربه را به آرژانتین زد. این دو بازیکن می‌توانستند تیم آرژانتین را از نظر دفاعی به یک استاندارد فوق‌العاده برسانند. غیبت این دو بازیکن و آسیب‌پذیدی بدیعوق والتر ساموئل به معضلات خط دفاعی اراهم‌پوشان اضافه کرد. در خط میانی بازیکنی که بتواند توپ‌ها را به مهاجمان برساند، وجود نداشت و وقتی این وظیفه را به مسی واگذار کردند، او نتوانست به خوبی این وظیفه را انجام دهد. در خط حمله هم با وجود بازیکنان بزرگی که در اختیار داشت، نتوانست انتظارات را برآورده کند.

آرژانتین در این دوره اگر یک مربی باهوش و باذکاوت در اختیار داشت، می‌توانست تا مرحله فینال مسابقات پیش برود. مارادونا مربی است که احتیاج به یک آنالیزور فوق‌العاده دارد تا بتواند تیم‌هایش را به خوبی هدایت کند. هرچند این مربی نتوانست انتظارات را برآورده کند، اما برای چهار سال بعد اگر مسوولان فدراسیون آرژانتین در کنار او دستیاران خوبی قرار دهند، این مربی می‌تواند نتیجه بگیرد. مارادونا شور مربیگری دارد و اگر به آن ششور اضافه کند، می‌تواند موفق باشد. حکایت آرژانتین ۲۰۱۰ مانند ۲۰۰۲ بود که تیمس مربی این زمان این تیم یکی از بهترین تیم‌های تاریخ این کشور را نابود کرد. به عنوان یک هوادار آرژانتین از اینکه ۲۰ سال است تیمم به مرحله نیمه‌نهایی نرسیده است، واقعا افسرده هستم.

◀ **کپی‌چام**

■ **سپ‌لاتر: جام جهانی ۲۰۱۰ ویژه بود**

رئیس فدراسیون جهانی فوتبال با تقدیر از برگزاری جام جهانی ۲۰۱۰ گفت به میزان جام جهانی آفریقای جنوبی نمرة ۹ از ۱۰ می‌دهد. پیش از آغاز جام جهانی ۲۰۱۰ فیفا نگران نبود آفریقای جنوبی نتواند از پس برگزاری رقابت‌ها بربیاید اما دو روز پس از پایان جام، سپ‌لاتر با تقدیر از کشور میزبان گفت رقابت‌های آفریقای جنوبی بهترین دوره مسابقات جام جهانی از ابتدا تاکنون بوده است: «من از ۱۰ به آفریقای جنوبی ۹ می‌دهم. در زندگی شما هیچ‌گاه نمی‌توانید کامل باشید. در دانشگاه نمرة ۹ از ۱۰ یعنی اینکه شما موفق بوده‌اید. هر جام‌جهانی برای خودش فرهنگ متفاوتی دارد.» وی ادامه داد: جام جهانی ۲۰۱۰ در قاره‌ای برگزار شد که تا به حال میزبان نشده بود و به همین خاطر فرهنگ جدیدی را همراه خودش داشت، بنابراین باید از سطوح مختلف این مسابقات را ارزیابی کرد، با این حال شور و اشتیاقی که برگزاری این جام برای تماشاگران حاضر و مخاطبان تلویزیونی ایجاد کرد، عالی بود و به اعتقاد من این جام جهانی بسیار ویژه بود. رئیس فیفا با ابراز تاسف از کشتار مردم اوگاندا حین برگزاری دیدار نهایی جام جهانی ۲۰۱۰ گفت: نمی‌توان گفت این بمبگذاری ربطی به جام جهانی داشته یا خیر اما واقعا من برای مردم اوگاندا متاسفم. خیلی مشکل است که بتوانیم جام جهانی را به این اتفاق ربط دهیم اما تلاش می‌کنیم در این رابطه تحقیق کنیم.

◀ **کژال‌شی**



یک - یک مقابل پاراگوئه و نیوزیلند رسیدند، نگران شکاف‌های عمیق خط دفاعی تیمش هم بود. آنها با عملکرد خود در این جام احساس دوگانهای را نسبت به بازی‌هایشان برانگیختند. از یک سو بیشترین مالکیت توپ را داشتند و از سوی دیگر بارها با بی‌دقتی این مالکیت را از دست دادند.

آنزوری از اکتبر سال گذشته و دیدار با قبرس که البرتو جیلاردینسو هت‌تریک کرد دیگر نتوانست در بازی‌هایش بیشتر از یک گل بزند. هفت بازی بعدی آنها هم ثابت می‌کند که چرا دیگر نتوانستند گل بسازند و گل بزنند. مشکل فقط در خط حمله نیست. آفریقای جنوبی صحنه به نمایش درآمدن ضعیف‌ترین تیم ایتالیا در مواجهه با ضربات ایستگاهی بود. آنها در هر دو بازی اول به‌رمغ داشتن چهار تن از سرسخت‌ترین مدافعان خود به راحتی از روی ضربه آزاد گل خوردند. کانائوارو با افت چند سال اخیرش چندان هم هواداران آنزوری را با این بازی‌ها غافلگیر نکرد اما دانیله دروسی واقعا چهره تازه‌ای از خودش به نمایش گذاشت. تملل کانائوارو در دیدار نخست مقابل پاراگوئه آنتولین الکازار را صاحب موقعیت گلزنی کرد و دروسی هم با بازی‌های این بازیکن جا ماند. این اتفاق در بازی‌های بعدی ایتالیا هم تکرار شد. اما ضعف‌های آشکار دو تن از باتجربه‌ترین مدافعان آنزوری که جزء مطمئن‌ترین آنها هم محسوب می‌شوند و دوروسی هم بر بازی‌های دوستانه قبل از جام مقابل مکزیک و سوئیس، حاکی از آن است که ضعف دفاعی ایتالیا مشکل کلی تیم آنهاست، به همین دلیل بارها در حملات و

◀ **کژال‌شی**

میان‌های میدان دیده شد تا مسی گلزن در پی گل‌سازی باشد. شماره ۱۰ آرژانتین هم متحمل همان نفرین ال‌دیه‌گو شده. آخرین باری که شماره ۱۰ آرژانتین در جام جهانی گل زده بود ۱۲ سال پیش و در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه بود. دانیل اورنگا و در اولین بازی آرژانتین گل زد و دیگر هرگز هیچ شماره دهی در جام جهانی برای آرژانتین گل نزد. نحسی شماره دیه‌گو گریبانگیر لیو هم شد. انگار این شماره فقط برازنده همان اسطوره جابودان قدیمی و همین مربی معوم کنونی بود. مسی که پشت سرش هیچ زاوی یا اینیستایی نمی‌دید بی‌وقفه در پی توپ دودید و به رغم ضربات زیادی که به سمت دروازه حریفان زد هرگز تویی را به تور ندوخت تا شاید دیگر شماره ۱۰ آرژانتین در جام جهانی را نبیند. مسی در کنار مهاجمان طراز اول دیگری همچون هیگواین، تبس و آگرو هرگز نتوانست برای سربلندی آرژانتین کاری کند تا این تیم پس از گرد و خاکی که در مرحله گروهی به راه انداخته بود، با فضات (شکست چهار بر صفر برابر آلمان) از جام حذف شود و همه چیز برای این تیم به نقطه صفر برسد. پس از این حذف اگرچه دیه‌گو آنقدر باهوش بود که به طور مصلحتی اعلام کند استعفا می‌دهد اما رئیس فدراسیون فوتبال آرژانتین آنقدر باهوش نبود تا از استعفای دیه‌گو استقبال کند. او دوباره به کارش (فعلا) ادامه می‌دهد تا مگر پیاموزد مبارکی فقط حرفای و انگیزه دادن نیست.

و به خودشان رجوع می‌کردند. اما گویا انگیزه‌های اسلواکی تازه‌وارد برای ماندن در قاره سیاه خیلی بیشتر از مدافع لاجوردی‌پوش جام قهرمانی بود و این نتیجه به خاطر نقص‌های آشکار تیم ملی ایتالیا تا مدت‌ها در ذهن همه باقی خواهد ماند.

■ **خرده‌جایت‌های لیبیی**

بزرگ‌ترین جرم لیبیی بی‌میلی و تا حدی امتناع او از به کارگیری ماهر‌ترین و خلاق‌ترین بازیکنان ایتالیا برای حضور در جام جهانی بود. او ماریو بالوتلی، آنتونیو کاسانو و فابریزو میکولی را به آنزوری دعوت نکرد و به اصرارهای مکرر ستاره‌ها به ویژه در مورد دعوت از کاسانو هم اعتنایی نداشت. او هم مثل کاپلو از جمله مربیان این جام بود که مردانش پس از یکی دو بازی ضعیف انگشت اتهام را به سوی وی گرفتند. آنها معتقد بودند لیبیی از یک سال گذشته تا زمان شروع آن تحولات زیادی در آنزوری به وجود آورده، پستت بازیکنان را عوض کرده به طوری که برخی از آنان مجبوند خارج از پستت تخصصی خود بازی کنند و به خاطر تغییرات مداوم تیم فرصت چندانی برای یافتن هماهنگی با سایر بازیکنان نداشته‌اند. این وجود تیمی که شالوده‌اش را ستاره‌های باتجربه تشکیل می‌دهند حق بهانه‌تراشی اینچنینی را ندارد.

■ **دفاع و حمله، پدتر از بد**

برای نتیجه گرفتن یک تیم همه چشم به ساق‌های مهره‌های خلاق دارند ولی لیبیی در این جام که بازیکنانش به دو تساوی ناامیدکننده

شدند تا تحقیر ایتالیا در جام ۲۰۱۰ تکمیل شود. به حریفی باختند که بار اولی بود به جام جهانی می‌رفت اما مدافع عنوان قهرمانی را خیلی زود بدرقه کرد و به خانه فرستاد. به این ترتیب آنزوری چهارمین مدافع عنوان قهرمانی تاریخ جام جهانی شد که در مرحله اول این مسابقات فحارت حذف شدن را تجربه کرد.

■ **مرد عمل نبودند**

در تیم ملی فرانسه نیکلا آنلکا درباره پست بازی‌اش در تیم با ریمون دومنک بگو مگو کرد. در آنزوری وینچنزو و یاکوینتا و کلودیو مارکیزیو هم با لیبیی همین مشکل را داشتند. در تیم انگلیس جان تری برای فابیو کاپلو در مورد نحوه انتخاب بازیکنان تعیین تکلیف کرد. در آنزوری نیز دانیله دروسی زیر پای بقیه نشست تا علنا ناراضایی خود را از نحوه کار لیبیی به زبان بیاورد. تازه هر بار از فابیو کانائوارو درباره علل افت بازی‌هایش در قلب خط دفاعی سوال شد با پیش کشیدن بحث بقیه مدافعان و مشکلات داوری سعی کرد طفره برود. هیچ‌کدام از مردان لیبیی در این جام مسوولیت‌پذیر نبودند و حتی وظایف خودشان را انتظار می‌رفت مثل یک مرد از جایش بلند شود و زدند باعث شد خیلی‌ها منتظر واکنش تیم به این شرایط باشند. در تیم‌های بزرگ همیشه یک شکست تلنگر مهمی برای تغییر و تحول است. از آنزوری هم انتظار می‌رفت مثل یک مرد از جایش بلند شود و قرص و محکم جلوی اسلواکی بایستد تا آخرین شانس باقی ماندن در جام هم از میان انگشتانش بیرون نلغزد. بایدر غر و لند کردن و بهانه‌تراشی را کنار می‌گذاشتند

سجاد فیروزی

می‌گویند وقتی کسی از شریکش جدا می‌شود به اندازه طول دوره آن رابطه ناکام مانده طول می‌کشد تا این دوران ناخوش را به دست فراموشی بسپارد. اما در مورد مارچلو لیبیی شاید این گفتار صدق نکند و تا جام جهانی بعدی وقت بخواهد تا حذف فضاحت‌بار ایتالیا از جام جهانی را به دست فراموشی بسپارد. تیمی که او برای حضور در این جام از میان جوانان و برخی چهره‌های کمتر دیده‌شده جمع‌وجور کرد نه تنها جلوه یک مدافع عنوان قهرمانی را نداشت بلکه در گروهی که به خاطر آسانی بیش از حد رشک تیم‌های بزرگ اروپا را برانگیخته بود، با بدترین نتایج ممکن کار خود را به پایان برد. مدافع عنوان قهرمانی که پیش از جام برای رقبای احتمالی خط و نشان می‌کشید رنگ پیروزی را در مرحله گروهی ندید و مهاجمان ناتوانش طی هفت بازی قبل از دیدار با اسلواکی فقط دو گل به ثمر رسانده بودند اما همچنان امید داشتند الهیه بخت و اقبال یک بار دیگر دست‌شان را بگیرد و با خود از مرحله گروهی نکت‌بار بالا بکشد چون طبق روال چندین جام قبلی آنها راه و رسم نتیجه گرفتن در مراحل حذفی را بهتر از مرحله گروهی بلد بودند. بخت به ایتالیا پشت نکرد. به بازی آخر که رسیدند به‌رمغ دو تساوی اولیه فقط یک امتیاز دیگر می‌خواستند تا صعود پردرسر و توام با ابرپروزی خود به مرحله حذفی را جشن بگیرند اما این بار دیگر چوب‌خط‌شان پیش فرشته شانس پر شده بود از اسلواکی مساوی که نگرفتند هیچ، سه بر دو مغلوب

دیه‌گو قاتل آلبی سلسسته

شد که در پارامی اوقات حضور آنها در جمع چهار تیم نیز مسججل و قطعی نبود. اصرار عجیب دیه‌گو مارادونا به استفاده نکردن از گونزالس هیکواین و به ویژه دعوت نکردن او به تیم ملی باعث شده بود خط حمله آرژانتین تمام‌کننده ذاتی نداشته باشد. دعوها و مشاجره‌های ریکلمه و مارادونا باعث شد این بازیکن هم از ترکیب تیم ملی کنار گذاشته شود. البته شاید علاقه ال‌دیه‌گو به ماسکرانو هم مزید علت شد تا ریکلمه تیم ملی را از دست بدهد. شاید اگر ریکلمه در تیم می‌ماند آنگاه مارادونا به راحتی نمی‌توانست بازوبند کاپیتانی را به ماسکرانو- بازیکن مورد علاقه‌اش- بسپارد. به‌رمغ ضعف علنی در خط میانی باز هم مارادونا حاضر نبود از بازیکنی مثل ایمار و چند ستاره دیگر استفاده کند تا اینکه کار آرژانتین حساسی به اما و اگر کشیده شود. بالاخره پس از کش و قوس‌های فراوان ال‌دیه‌گو با دعوت از این بازیکنان موجبات صعود آرژانتین به جام جهانی آن هم در دقیقه ۹۰ را فراهم آورد، اما بداخلاقی‌ها و کج‌خلفی‌های دیه‌گو از همان لحظه شروع شد. در حالی که همه آرژانتینی‌ها از صعود (غیمرتدانه) تیمشان به جام جهانی خوشحال بودند، او در کنفرانس مطبوعاتی خطاب به خبرنگاران رکیک‌ترین واژه ممکن را به کار برد تا جهان را غرق در بهت کند. دیه‌گو

چهره آرژانتین در این جام جهانی بسیار مبهم و پیچیده بود. شاگردان ال‌دیه‌گو در مرحله گروهی حریفان را یکی پس از دیگری از پیش‌رو برداشتند و به مرحله یک‌هشتم نهایی رسیدند. در این مرحله عملکرد خوب آنها باز هم تداعی قهرمان این دوره را در ذهن‌ها پدید آورد تا اینکه لشرگر آرژانتین به سپاه آلمان رسید. آلمان‌ها با بمباران کردن دیه‌گو و مردانش در انتها به جنازه‌های آنها هم رحم نکردند تا مارادونایی که با آن همه سر و صدا به جام آمده بود دست خالی به کشورش برگردد.

■ **مارادونا قبل از جام**

جام جهانی باشد، سختی‌های زیادی متحمل شد. این تیم در رقابت‌های مقدماتی منطقه امریکای جنوبی حال و روز خوشی نداشت. به‌رمغ اینکه دیه‌گو روحیه تازه‌ای به این تیم داده بود اما از لحاظ فنی علنا چیزی به داشته‌های مردانش اضافه نکرد. خوردن شر کل از تیم ضعیف بولیوی و باختن در هر دو بازی برابر تیم برزیل، دشمن قسم‌خورد‌اش، ادامه کار مارادونا را در هاله‌ای از ابهام قرار داد. مطبوعات آرژانتین که می‌دیدند اسطوره کشورشان آهسته‌آهسته آرژانتین را به مرحله ناکامی می‌کشاند، شروع به انتقاد از او کردند. کار برای مارادونا و شاگردانش چنان پیچیده